



## پیشگفتار<sup>۱</sup>

امنیت آبی و امنیت غذایی بخش مهمی از امنیت ملی هر کشور هستند. افزایش مصرف آب، تغییر اقلیم و افزایش رقابت‌های سیاسی بین کشورها باعث شده است که تأمین امنیت آبی به عنوان یک پیش‌نیاز الزامی امنیت غذایی و امنیت ملی، به یکی از اصول شناخته شده در مباحث طرح‌ریزی استراتژیک هر کشور تبدیل شود. سیستم‌های منابع آب به عنوان یک سیستم پیچیده<sup>۲</sup> انسانی-طبیعی، علاوه بر ابعاد اقتصادی و زیست‌محیطی، دارای ابعاد اجتماعی، سیاسی و امنیتی هستند. این سیستم‌ها دارای اندرکنش پویا و غیرخطی با مسایل اجتماعی، سیاسی و امنیتی در ابعاد محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی می‌باشند.

بیش از ۴۵ درصد از خشکی‌های جهان در حوضه‌های آبریز مشترک بین‌المللی قرار دارند و زندگی بیش از ۴۰ درصد از مردم دنیا به رودخانه‌های بین‌المللی وابسته است. وجود ۲۷۶ حوضه آبریز بین‌المللی مشترک بین بیش از ۱۴۸ کشور و همچنین بیش از ۵۹۲ منبع آب زیرزمینی بین‌المللی و ۱۶۰۰ دریاچه مشترک برپیچیدگی و اهمیت مسایل امنیتی در بهره‌برداری از منابع آب افزوده است. عدم مدیریت و حکمرانی صحیح و افزایش تقاضا برای بهره‌برداری هر چه بیشتر از این منابع، سبب افزایش رقابت و در نتیجه تنش و ایجاد بحران بر سر بهره‌برداری از منابع آبی مشترک شده است.

برای نمونه، برخی از کارشناسان یکی از ریشه‌های اصلی بحران بین‌المللی دارفور در سال ۲۰۰۳ را که سبب کشتار بین ۲۰۰ تا ۴۵۰ هزار نفر و آواره شدن بیش از ۲/۵ میلیون نفر شد، بحران آب و تغییرات آب و هوایی می‌دانند. آنها معتقدند که کاهش منابع آب و بیابان‌زائی سبب گردید که جنگ و منازعات ناشی از آب و زمین در این منطقه تبدیل به یک بحران بین‌المللی گردد. بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل نیز اعلام نمود که بحران دارفور به دلیل کمبود منابع و در درجه نخست بحران آب فراگیر شد و درگیری‌های شدید را در سطح بین‌المللی به وجود آورد. هر چند برخی دیگر از کارشناسان معتقدند که بحران بین‌المللی دارفور ناشی از دخالت چندین عامل به هم پیوسته است. آنها بر این باورند که این بحران در نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی بین مرکز و شمال کشور سودان با دیگر مناطق ریشه دارد که با عواملی مانند خشکسالی، رشد جمعیت، بیابان‌زائی و فرصت طلبی سیاسی کشورهای غربی تشدید شده است. مشابه چنین دیدگاه‌هایی در خصوص علل شروع تنش و جنگ در سوریه و ارتباط آن با مسایل آب مطرح شده است.

در بین نقاط مختلف دنیا، بحران و مشکلات آب در منطقه خشک و نیمه خشک آسیای غربی (خاورمیانه)، به مراتب خطرناک‌تر و وخیم‌تر است. قرار گرفتن این منطقه در کمربند خشک جهان موجب شده است تا این منطقه علیرغم دارا بودن ۵ درصد از جمعیت جهان، تنها یک درصد از آب‌های شیرین قابل دسترس را در اختیار داشته باشد. این منابع آب نیز عمدتاً بصورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرند. بیش از ۵۰ درصد از جمعیت منطقه آسیای غربی در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند که این مسأله تنش‌ها و منازعاتی را برای استفاده هرچه بیشتر از این منابع محدود در منطقه ایجاد کرده است. علاوه بر این، در کشورهای غرب آسیا به دلیل وجود قبایل و نژادهای مختلف و تلاش دولت‌ها برای راضی نگه داشتن این قوم‌ها و قبایل، تأمین منابع آب کافی برای تأمین امنیت غذایی و بهبود سطح زندگی آنها از اهمیت بسزائی در تصمیم‌گیری‌های کلان دولت‌ها برخوردار گردیده و این مسأله تنش‌ها و بحران‌های سیاسی بهره‌برداری از رودخانه‌های مرزی را در این منطقه تشدید کرده است. برای مثال، یکی از اهداف ترکیه از اجرای پروژه بزرگ منابع آبی جنوب شرق آناتولی (گاپ)<sup>۳</sup>، "تأمین امنیت ملی" در جنوب این کشور ذکر شده است. احداث ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه آبی، ۱۳ پروژه آبیاری به وسعت بیش از ۱/۷ میلیون هکتار بخشی از طرح جامع این پروژه است. کارشناسان و متخصصان هیدروپولیتیک، استفاده و بهره‌گیری از آب به عنوان ابزار سیاسی برای فشار به کشورهای پایین دست و دستیابی به مقاصد سیاسی را بخش دیگری از اهداف پنهان این پروژه عظیم ذکر کرده‌اند.

کشور ایران با داشتن حداقل ۱۵ همسایه، بیشترین تعداد همسایه را پس از کشورهای روسیه و چین در دنیا دارا می‌باشد و با تمام همسایه‌های خود دارای مرز مشترک آبی است. از ۸۷۵۵ کیلومتر مرز ایران با کشورهای همسایه‌اش، نزدیک به ۲۲ درصد آن را ۲۶ رودخانه کوچک و بزرگ مرزی تشکیل می‌دهند. وجود مرز مشترک آبی با دو حوضه آبریز بین‌المللی دجله-فرات و آمودریا که جزء پر تنش‌ترین حوضه‌های آبریز

۱- این پیشگفتار توسط آقای دکتر حجت میان‌آبادی پژوهشگر دانشگاه صنعتی Delft تهیه و توسط سردبیر و اعضای هیأت تحریریه مجله ویرایش شده است.

2-Complex

3-The South-East Anatolian Development Project (Guneydogu Anadolu Projesi: GAP)

بین‌المللی هستند بر پیچیدگی‌های امنیت آبی کشور افزوده است. علاوه بر این، کشور ایران دارای ۱۱ آبخوان مشترک مرزی با هشت کشور همسایه‌اش می‌باشد که از مجموع آنها فقط در سه آبخوان تارووس/زاگرس، سرخس و جنت‌آباد-صالح‌آباد کشور ایران در موضع بالادست قرار دارد. لذا هر نوع بهره‌برداری مشترک و عادلانه از این منابع آب باید با در نظر گرفتن تمام ابعاد سیاسی، امنیتی و هیدروپولیتیک آن صورت پذیرد. منابع آب به عنوان یکی از سیاسی‌ترین منابع طبیعی، مرزهای سیاسی را در مقیاس‌های بین‌المللی، ملی و محلی در می‌نوردند. از اینرو، توجه به ابعاد سیاسی و امنیتی منابع آب از منظر داخلی نیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هر نوع تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های مدیریت منابع آب در حوضه‌های آبریز مشترک بین چند استان، شهر یا جوامع محلی، بویژه طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای، می‌تواند دارای ابعاد سیاسی، امنیتی و ملی باشد. لذا یکی از مسائل اصلی در این حوزه، تأثیر متقابل منابع آب و سیاست‌های مربوط به آن بر روابط اجتماعی و اختلافات و تنش‌های ملی و محلی است. از سوی دیگر، زندگی در بسیاری از مناطق مرزنشین کشور به کشاورزی و فعالیت‌های دامی وابسته است. عدم تأمین منابع کافی و مشکلات آبی می‌تواند سبب از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و دام‌های مردم بومی و در نتیجه گسترش پدیده قاچاق در منطقه و همچنین مهاجرت گسترده ساکنان بومی به دیگر مناطق کشور شود و این مسأله می‌تواند سبب بروز مشکلات مختلف اجتماعی و بعضاً سیاسی و امنیتی گردد. از این رو، تأمین آب کافی با رویکرد حکمرانی صحیح آب در مناطق مرزنشین و شهرهای مرزی، تأثیر بسیار زیادی در تأمین امنیت مناطق مرزی خواهد داشت که این مسائل باید به طور جدی مورد توجه سیاست‌گذاران و دولتمردان قرار گیرد.

بدون شک، ارتباط گسترده و مستقیم مسائل مدیریت منابع آبی به ویژه آب‌های مشترک با مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی بر پیچیدگی مسائل مدیریت و بهره‌برداری از منابع آب افزوده است. لذا ضروری است در دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و پژوهشی و دستگاه‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری کشور، پژوهش و مطالعه ابعاد انسانی-طبیعی طرح‌های منابع آب از جمله تبعات هیدروپولیتیک، اجتماعی، سیاسی و امنیتی آنها در مقیاس‌های منطقه‌ای و ملی و حتی بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گیرند و هر گونه اقدام، طرح و برنامه‌ریزی در زمینه تأمین آب و امنیت آبی در کشور با در نظر گرفتن تمام این جوانب و آشنایی کامل با وضعیت و چشم‌انداز هیدروپولیتیک منطقه صورت پذیرد.